پیام
جبهه ملی
ارگان جبهه ملی ایران
دوره جدید شماره ۵۶ پنجشنبه ۱۲ اسفندماه ۱۳۵۹ ۴ صفحه - ۱۵ ریال

دریغا تهی از تو ایران زمین

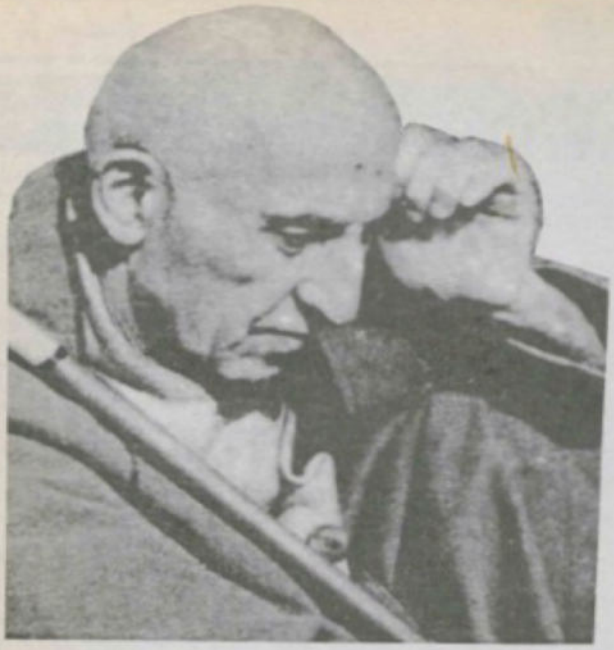

دکتر مصدق به همه ملت تعلق دارد

تحلیل از دکتر مصدق تنها تحلیل از یک شخصیت آزادی‌خواه و میهنی و قدردانی از یک رهبر ملی و سیاسی نباید تلقی شود. قدرشناسی از دکتر مصدق و افکار و عقاید او و زحماتی که برای سعادت و رفاه ملت متحمل شد بارها از طرف ملت ایران بشهور پیوسته است. انتخاب دکتر مصدق بعنوان وکیل اول مردم تهران در مجلس شورایملی در هر زمان که حتی آزادی نسبی در انتخابات وجود داشته آنهم در طول سالیان نسبتا طولانی مهمترین اظهار اعتقاد و اعتماد ملت به رهبر شایسته خود محسوب میشود. پاسخگوئی به پیام‌ها، تقاضاها و پیشنهادات دکتر مصدق، از طرف مردم، جبهه بصورت اجتماعات و راهپیمائی‌ها و چه بصورت حمایت‌های عملی و اجرائی در دوران نمایندگی و سایر دوران‌های ماموریتی و چه در زمان نخست‌وزیری مظاهر متعددی از ارتباط و تصویب و قدردانی و سپاسگزاری نسبت به نمایندگان واقعی ملت بشمار میرود. دکتر مصدق خود نیز

بقیه در صفحه ۳

- بیش از پنجاه سال مبارزه مداوم مصدق برای آزادیهای سیاسی، حاکمیت ملی، عدالت اجتماعی و استقلال ملی مکتب آزادیخواهی و استقلال طلبی تاریخ معاصر ایران را بوجود آورد.
- از نام دکتر مصدق نباید برای اغراض شخصی و باگروهی، به نفع یا ضرر کسی، برای تقویت و یا تضعیف هیچ سازمان یا دسته‌ای استفاده کرد.
- مبارزات ومقاومت‌های دکتر مصدق و مراقبت او در جلوگیری از هرگونه انحراف فکری در صفوف نهضت ملی ایران تأثیر اساسی در ایجاد تفکر و بینش انقلابی جامعه ما داشته و جنبش ملت ایران را در جهت عملکردهای انقلابی سوق داده است.

تامین رفاه و آسایش طبقات زحمتکش دهقان و کارگر سرلوحه مرام مصدق و مکتب اوست

روز دوشنبه هیئت تحریریه پیام جبهه ملی بحثی درباره هدف و زمینه فکری جبهه ملی ایران و قدمت آن و چگونگی بایسته‌مندیش به این اسم بود یکی از آقایان بتعریفی گفت پس از ایده‌آل‌ترین مسلم خواستی هم باید عنصر جبهه‌ملی بوده باشد. در پاسخ او گفته شد بلی راست است هرکس که برای خواستن آزادی و استقلال ایران و رهانیدن آن از قید اسارت و رقیت بیگانگان با

بقیه در صفحه ۲

ملت نگران عاقبت پنهان کاری در مذاکرات است

تنها با تجهیز کامل ارتش و بیاری یک جنگ میهنی است که میتوان عراق را بیرون راند

هفته دوم از ششمین ماه جنگ تحمیلی میان ایران و عراق را نیز پشت سر گذاردیم. چنین بنظر میرسد که مردم را دارند با جنگ و عوارض ناشی از آن خوب میسازند. گرانی و کمبود آزاردهنده نیازمندیهای روزمره جامعه، افت تولید کارخانه‌ها، رکود اقتصادی در نمایی زمینه‌ها، آوارگی بیش از یک میلیون و نیم مردم جنگزده، افزایش سرسام‌آور تعداد بیکاران و درنتیجه سایه‌گستر شدن جو ناامیدی و دلهره برجامعه و بالاخره مهم‌تر از همه استقرار دشمن در سرزمین‌های اشغالی و اقدامات وسیع آن در زمینه ساختن جاده‌های فنی نظامی و مجتمع‌های کوناکون که حکایت از برنامه‌های درازمدت آن دارد. همه و همه و مسائل بسیار دیگر سهمگین ما را در وضع و شرایطی قرار داده است که هر ایرانی نگران و میهن‌دوست و استقلال‌طلبی را بشدت بنگران میسازد و امروز کمتر کسی را میتوان یافت که از حد متوسط آگاهی برخوردار باشد و نگران آینده میهن میهن و بخصوص حفظ تمامیت ارضی و استقلال و آزادی این سرزمین نباشد.

در روزیم گذشته یکی از مسائلی که همیشه مردم علاقمند به این کشور را رنج میداد آن بود که در جریان جوی و جنبه‌ی حوادث و رویدادها و مسائل مختلفی که با سرنوشت میهنشان در ارتباط بود، قرار نمیگرفتند و همه چیز در پس پرده و پنهان از مردم صورت میگرفت. امید آن بود که بعد از انقلاب اوضاع دگرگون گردد و سیاست غریب و بازی‌کردن با مردم به کنار گذارده شود و مردم به کوچه‌های مسطقی در جریان کارها قرار بگیرند. ولی افسوس که چنین نکشت و بازیهای پشت پرده همچنان ادامه یافت که با نمونه بارز و دردناک آن در فاجعه اضحاک‌آمیز کروکانگیری برخورد داشتیم.

اینک، یکبار دیگر ملت ایران خود را با یک علامت سئوال بزرگ مواجه می‌بیند. همه شاهد بودیم که در موقع تشکیل کنفرانس سران کشورهای اسلامی در "طائف"، دستگاه حاکم مطلق و "دولت مکتبی"!؟ چگونه با آن روبرو گشتند و تنها بدلیل درگیریهائی که میان دولت و رئیس‌جمهوری وجود داشت با چه استدلالهای سست و بی‌منطقی به نفی آن کنفرانس پرداختند و بدلیل نداشتن "خصلت اسلامی"!؟ آنرا باطل دانسته و حضور در آن را خلاف مصالح اسلام دانستند. حال در نهایت حیرت مشاهده میکنیم که همین "دولت مکتبی"!؟ بر تصمیم‌گیریهای این کنفرانس گردن میهند و هیئت برگزیده آن کنفرانس را برای گفتگو و مذاکره میپذیرد. شما را بخدا، ملاحظه کنید این بازی دادن مردم تا کجاست؟ چگونه شما که اصل کنفرانس و شرکت‌کنندگان در آن را قبول نداشتید و جمعی از آنها را کافر و فاسد میخواندید، امروز تصمیمات آنرا محترم میشمارید و جمعی از همان اعضاء کافر و فاسد را برای مذاکره میپذیرید. کدامیک از اینها در کنفرانس اقدام نجاوکارانه عراق را تقبیح کردند؟ کدامشان از "کل" بالاتر به صدام گفتند. اگر ریگی به کفش نداشتید چرا در کنفرانس حاضر نشدید و نظریات خود را در زمینه محکوم‌ساختن تجاوز عراق در آنجا عنوان نکردید. تصور نمی‌کنید که اگر چنین میشد، احتمال بسیار داشت با تعدادی از کشورهای شرکت کننده شما را تائید میکردند و دست‌کم در یک مجمع جهانی در برابر عراق جبهه‌ای گشوده میگشت.

هیئت اعزامی کنفرانس سران کشورهای اسلامی که شنبه نهم اسفندماه بایران وارد گردید، قبل از حرکت از جده درباره ماموریت خود و نتایجی که از آن بدست خواهد آمد "ابراز خوشبینی میکند". آقای حبیب‌شطی سخنگوی

بقیه در صفحه ۳

آنچه مصدق در تاریخ ایران بنیاد نهاد، یک مکتب است

جغرافیای سیاسی ایران در صد سال اخیر میزان و معیار سنجشی برای جهت‌های سیاسی ایران و همچنین برای گرایش‌های سیاسی افراد و احزاب این سرزمین اسمعارزده بوجود آورده است.

وطن‌پادرین دو امپراطوری روس و انگلیس محکوم به استقلال بود. اما استقلالی کاذب و بدون محتوی. استقلالی که حد و مرز سیاسی و اقتصادی و اجتماعی آن در رابطه با منافع امپراطوریهای مستعمراتی از سوی آنها تعیین میشد و به دست عمال و مزدوران ایرانی نمای آنها نگهبانی و حفاظت میگردید.

دو امپراطوری روس و انگلیس ایران را بصورت سرزمینی حائل در فاصله حوزه‌های جغرافیائی و استراتژیک خود میگریستند که با نیروها و منابع غنی خود منابع و بازرگانی و اقتصاد آنها را به صورت غارت و چپاول نگه‌دارند. آنها از افراد و گروهها

بقیه در صفحه ۴

آقایان! بازی را در جای دیگری آغاز کنید

سیاست کتمان و سازش راه حل مناسبی نیست

چه مقامی باید ممتاله «شکنجه» و «گروگان‌گیری» را تعقیب کند؟

دست در کاران قدرت و حکومت چه زود تجربه‌های شکست‌خورده همه سیستم‌های استبدادی را دوباره مورد آزمایش قرار میدهند. از ادامه سیاست غریب گرفته تا اعاده و احتناق و اخیرا نهدید به تیرباران.

یکی از نمونه‌های این تجربه نادرست سرکوم‌کردن نموده مردم و حتی با زیرکی تغییر جهت دادن خواست‌ها و هدفهای آنان است و این تصادفی نیست که هم مسئولین و کلیه جناح‌های دست درکار قدرت بدون درک مسئولیت تاریخی خود و بدون احساس مسئولیت در مقابل نسل‌های آینده و بدون ارائه راه‌حلی برای مشکلات و ناسامانی‌های بی‌شمار مملکت ضمن دفاع و با حمله از مواضع و عملکردهای شخصی و با گروهی و در غالب کلمات خالی و بی‌محتوی فقط و فقط به کار سیاست‌سازی و آنهم از نوع پوسیده و شکست خورده آن مشغولند.

در مقابل وقایع و حوادث سیاسی و اجتماعی مهمی که هریک از آنان می‌تواند استقلال و تمامیت ارضی کشور را بخطر اندازد تنها از سیاست غریب و جادوگیازی و بعبارت دیگر سرکوم‌کردن مردم بهروی کرده و بدون اینکه در متن وقایع به چاره‌جوئی بپردازند فقط در حاشیه و آنهم از مواضع انحرافی حرکت میکنند.

در چند ماهه اخیر درکنار وقایع و مسائل بی‌شماری که عامل اصلی و اساسی آن نحوه عمل همه مسئولین قوای سه‌گانه و دیگر مقامات ماموق این

بقیه در صفحه ۲

چماق و قلم!!

زمانیکه بشر قلم‌رو جنگل را ترک گفت و بر بهبود شئت اندیشه گام نهاد بین انسان و تفکر انسانی با تیشه و تیر و چوب و چماق بیکانگی افتاد. قلم‌بدستان بتدریج رسالت بردوشان متعهد و مسئول جامعه گشتند و چماق‌بدستان اوارگان مطرود دیار ادبیت.

از آن زمان به بعد هرجا که قلم حکومت میکرد چماق شکسته میشد و هرجا که ظلمات زور و قلدری و جهل و ارتجاع راه‌گشای چماق میگردید قلمها نابود میشدند هرجا که قلم‌بود چماق خوار و زبون بود و هرجا که چماق بود قلم عصیان میکرد تا چماق نماند. چماق و قلم هرکدام راه و رسم و هویت خود را یافته بودند قلم زبان شعور و احساس شد و چماق زبان خشونت و حقارت فکری، قلم نشانه ارج و آزادی انسانی گردید و چماق نشانه‌ای از بوحش و هوی حیوانی.

بقیه در صفحه ۳

همگامی و اتحاد نیروهای ملی و آزادیخواه ضرورتی تاریخی است

جبهه ملی ایران یك مکتب سیاسی شناخته شده است

جبهه ملی ایران از آغاز بنیادگیری تا این زمان گرچه در های تاریخی سی ساله را پشت سر گذاشته است ، قطع نظر از شکل سازمانی خویش ، بکونه یک مکتب فکری تکامل یافته ایرانی درآمده است که میتواند همواره افکار موافق با جامعیت خود را در پیرامون یک محور اجتماعی وسیاسی شناخته شده گردآوری نماید .

با این تعریف ، جبهه ملی از این نظر بیشتر به یک سازمان سیاسی با انضباط و منظم مانند است تا به یک جبهه زیرا "جبهه" بدون توجه به مبانی عقیدتی ، در جزوی از زمان بمنظور پیش بردن مقصد خاصی با همبستگی و هم آهنگی افراد و گروههای مختلف که در آن مقصد ، توافق فکری دارند بوجود میآید و پس از دست یابی به آن مقصود منحل میگردد ولی یک سازمان سیاسی براساس مکتب فکری مشخص با داشتن (ایدئولوژی) تعریف شده و نظرات اجتماعی معین و مدون در مراسامه ، شکل پایدار و ثابت بخود میگیرد .

عرفی که جبهه ملی ایران با جمعیت‌های دیگر دارد و جهتی که خصلت "جبهه‌ای" به او میدهد وضع سازمانی آنست که جمعیت واحد نیست وبموجب اساسنامه آن هرگروهی که در کلیات عقاید با این جبهه متوافق و تبعیت از او را بدیرا باشد بشرط قبول جبهه ملی میتواند وابستگی خود را به آن اعلام دارد .

مجموعه تفکرات سیاسی و هدفهای اساسی جبهه ملی که صفت "مکتبی" به او میدهد ، اصول و ضوابطی است که با شرایط تاریخی و جغرافیائی و استعرار فرهنگی وآداب و سنن دیرپای ایران وفق میدهد و ضامن حسن اداره امور بهباشت و بینش درست از واقعیات اجتماعی و تسلیل داشتن ملت بسوی آبادیهای دوردست در فلمرورشد معنوی و ترقی مادی میگردد جبهه ملی با توجه شایسته فعلی که بهینه جهات مربوط بگذشته و آینده ایران بکار برده وبرخلاف شناختی کاذب نظر فلسفه تاریخ نسبت بسوابق سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران و روحیات ملی و جامعه‌شناسی این مرزوبوم بدست آورده ، راهگشای یک روش صحیح علمی ، برای پرورش سیاسی و تربیت اجتماعی افراد ملت است که در سیر آن زمینه‌های مملکت داری بنحو صحیحی هموار میشود و حل مشکلات کلی در ظرف مدت زمانی به چندان طولانی ، سیمای تحقق بخود میگیرد .

در این مکتب پیشرفت همه شئون مردمی و کشوری ، به وضع جامع افراد و بکونه‌ای که جنبه‌های مثبت آن از جهات دیگر ، بی‌آمدهای منفی ببار نیاورد مورد سنجش و پژوهش قرار گرفته و مقتضیات روحی وفکری و اعتقادی عنصر ایرانی در برخورد با مسائل عینی و راههای بهره‌گیری شایسته از آن برای پیشبرد کردوندهای مقاصد ملی درنظر گرفته شده است .

در این مکتب ، هر عضو مستند و ثابت قدم ، نربیت اصیل ایرانی می‌بیند و با الهام‌گیری از منابعی که برای ایران و ایرانی سرچشمه بهبا و سرافرازیها ، ببار آورده رشد ملی می‌یابد و با بهره‌یابی از تعلیمات عالیه اسلامی و کسب تکامل اخلاقی ومعنوی و نقوای اداری و سیاسی سرانجام خدمتگزاری باکبار برای کشور و ملت میکردد .

درمکتب جبهه‌ملی ، تحصیت سیاسی "دکتر محمد مصدق" بعنوان بنیانکذار و نمونه بارز و جهان‌شناسی از رهبران این جبهه شناخته میشود که دورنه های بنیادکنی وی در مجلس و دوران زمامداریش در زمان نخست‌وزیری معمار صحیحی برای طرز تفکر و کارکرد جبهه ملی در اداره امور کشور بشمار میرود .

با اینوصف باید دانست که جبهه‌ملی با کسب تجربه‌های کرانبهائی در مدت سی سال عمر سیاسی خود و طی کردن فراز و نشیب‌های بسیار ، در سالیان بعد از کودتای ۲۸ مرداد ناکنون به ابعاد وسیعی ازکسترش نظریه‌ها و اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه و دوراندیشی‌های جهان‌بینانه ، دست یافته و هرکز در نقطه‌های حرکت و عزیمت خود بسوی اتالیسم تکامل توقف روا نداشته است ، از اینرو میتوان چنین نتیجه گرفت که عضویت در جبهه‌ملی و فعالیت سیاسی افراد آن ، تنها بعنوان دنباله‌روی از یک مرد بزرگ سیاسی نباید تلقی کرده بلکه باید آنرا اعلام اعتقاد به یک مکتب سیاسی شناخته‌شده وامتحان داده‌ای بحساب آورد که نخستین معلم بزرگ و پایه‌کذارش (دکتر مصدق) بوده است و دیگر رهبرانش شاکردان وفادار آن سیاستمدارنجیب و مکتب‌داران بعد از او میباشند .

درانیجا برای آکاهی دادن بکسانی که تازه با نام ومکتب جبهه‌ملی آشنائی پیدا میکنند لازم است اجمالاً به پاره‌ای از نظرات این جبهه که بخاطر نکاردنده خطور کرده اشارت‌رود و تفصیل هدفها و آرمانها به (منشور) احاله کردد .

۱ـ استقرار حاکمیت ملی و حکومت قانون . تامین استقلال و آزادیهای فردی مندرج در قانون اساسی و پایداری از دستاوردهای انقلاب .

۲ـ مخالفت با استبداد فردی و حصبی ، مبارزه با هرج و مرج و ابهام مسئولیت‌ها و تضمین استقلال قوه قضائیه و امنیت قضائی .

۳ـ اتخاذ سیاست مستقل مبتنی برپایه‌های موازنه منفی و ایجاد روابط دوستانه با کشورهای دیکر و مبارزه با امپریالیسم جهانی .

۴ـ تقویت مبانی ملیت و وطنخواهی و دلبستکی‌های قومی و مذهبی ، پرورش‌دادن روحیه ملی براساس هویت ایرانی واسلامی ، تشویق ایران دوستی و ایران‌شناسی و حفظ بناهای تاریخی و آثار ملی .

۵ـ تامین خوراکو بهداشت و مسکن برای همه ، حمایت از منافع کشاورزان و کارکران و طبقات مستمدیده و محروم ، توجه کامل به آبادی روستاها ، مبارزه با استثمار و بهره‌کشی فرد از فرد و مخالفت با سرمایه‌داری وابسته و بزرک .

۶ـ نیرویخشیدن به بنیه دفاعی کشور و تقویت ارتش ، بالابردن حمیت و شخصیت ایرانی و فرهنک ایران زمین در سراسر جهان .

۷ـ تقویت پیوندهای تاریخی و ملی بین اقوام مختلف ایرانی و پشتیبانی از آنان در مورد علائق بومی و فرهنک قومی .

۸ـ رعایت حریم احترام روحانیت متعهد و پشتیبانی از آنان در اقامات دینی و ارشاد معنوی .

۹ـ پاسداری از فرهنک‌ملی و حمایت‌ازان در برابرفرهنک وارداتی و تعمیم آموزش و پرورش در سراسر کشور .

۱۰ـ مبارزه با فساد و ناب درستی درشئون مختلف کشور ، حمایت از نقوای اداری و سیاسی . حفظ بیت‌المال از اسراف و اتحاد بدانبر صحیح برای بازکردانیدن اموالیان تحصیل‌کرده بکشور .

آدینه بورومند

آقایان ! بازی را در جای دیگری آغاز کنید

بقیه از صفحه اول

قواست مسئله "تنکنجه" و "کروکان‌کیری" ونتایج حاصل از آن به نحوی اساسی در جامعه مطرح کردیده و طبق رویه معمول با حادثه‌سازی توجه عامه را از آن منحرف نموده و بدون بحث و نتیجه کیری مثبت میرود که به فراموشی سپرده شود . بخصوص نمایندکان قوه مقننه که قسمت مهمی از اوقات خود را به مذبحه‌رانی و یا شرح و بسط حماسه‌های بی‌رنکورو و مشخص می‌کذرانند کوچکترین توجهی به این دو مسئله اساسی مسدول نمی‌دارند .

بدیهی است که چون در یک سیستم معقول بین‌کیری هر دو مسئله منجر به محاکمه و مجازات دست‌درکاران آن خواهد بود با مسئله بصورت "نامعقول" مواجه شده‌ومعالجا و با ترجیح‌دادن مسائل فرعی و بی‌اهمیت قصد آن دارند که خود و یاران دست‌درکار خود را از مواجه شدن با این مسائل اساسی بازدارند .

مسئله "تنکنجه" با ابعاد بسیار وسیعی در سطح جامعه مطرح کردید اسناد و مدارک آن تا آنجا که امکانات سیستم حاکم اجازه میداد در اختیار مردم قرار کرفت و بسیاری از اشخاص و حتی رئیس‌جمهور که خود مسئولیتی بس عظیم در این مورد دارد به تصراحت از شدت و رواج شکنجه در جمهوری اسلامی سخن کفتند وولی‌زمزمه‌ها به فریاد تبدیل کردید وادامه‌یافته نیز پیدا شد . اینک هیئتی از مقامات بسیار عالی‌رتبه و مسئول جمهوری مامور رسیدکی به شکنجه‌کردید هنوز این هیئت کار خود را آغاز نکرده بود که "مسئله تنکنجه" به "شایعه تنکنجه" تغییر شکل یافت و با این ترتیب حتی قبل از بررسی حکم نهائی صادر کردیده و اغلب اعضای هیئت در بیانات و مصاحبه‌های خود به نوعی اظهار عقیده فرموده و باصطلاح قبل از تشکیل محکمه و بررسی اسناد حکم مبارک را صادر فرمودند . با وجود اینکه تا این تاریخ چند ماه از تشکیل این هیئت میکذرد و اسناد و مدارک متعددی در اختیارآنان کذارده شده است هیچکونه اطلاعیه رسمی و غیررسمی در این مورد انتشار نیافته است و همه علائم نشان میدهد که سرپوش بسیار متمکمی برای پنهان نکاهداشتن نتایج حاصل از این بررسی ندارک دیده شده است طبیعی است که تلقی اعضای هیئت چنین است که مسئله باید در بایت اطاق‌های دربسته رفع‌ورجوع کردد و با تسلیم کزارش‌های خصوصی وپرده‌پوشی حقایق موجود ملت را که صاحبان واقعی حکومت می‌باشند در جهل وابهام دائم نکاهداشت علاوه بر مسئله شکنجه که ناکنون هیچکونه اطلاعی از نتایج بررسی آن اعلام نکردیده است مسئله کروکان‌کیری و بی‌آمدهای بعدی آن که منجر به عقد قرارداد با آمریکا کردید توسط هیچ مقام مسئول مورد سئوال و بازخواست قرار نکرفته است . اکر چه افراد و نیروهای ملی و ترقی‌خواه در فرصت‌های مناسب موضوع را طرح کرده‌اند اما کوئی در سطوح مختلف مقامات قانونی یک سازش علنی و آشکار برای پرده‌پوشی وکتمان صورت‌کرفته است . از بیشنهاد بحث آزاد تا تشکیل محکمه علنی همه با نوطئه سکوت مواجه میکردد . باوجود اینکه توسط علمداران حکومت مکتبی و ضد امپریالیستی !! و برخلاف هر صریح‌اصول‌قانون اساسی قرارداد دوجانبه‌ای با آمریکا سعقد میکردد و با وجود اینکه معایب و مفاسد این قرارداد افشا میکردد و حتی وزیر خارجه وقت آمریکا با صراحت اعلام‌میدارد که در عقد این قرارداد تنها منافع مالی ایالات متحده آمریکا منظور کردیده است و با وجود اینکه رئیس‌کل بانک‌مرکزی بی‌آمدهای مالی نامناسب آن را اعلام میدارد و حتی "دعا" میکند که طلب آمریکا کمتر از مقدار ادعائی باشد و نیز بعنوان بزرکترین مقام مسئول مالی اعلام مینماید که پرداخت یکجای وامها از طرف بانک مرکزی نبوده و یک تصمیم سیاسی است که به بانک مربوط نیست هیچیک از متصدیان امور اجرائی و نیز هیچیک از نمایندکان قانونکزاری حتی خود را مسئول بی‌جوئی وبازکو کردن حقایق در برابر مردم نمی‌دانند مسلم است که محیط آکنده از ترس و خفقان و نیز سیاست سازش و عوام‌فریبی و بیم دوربودن از مراکز قدرت مانع تحرک و ایفای وظیفه سیاسی و اجتماعی درمقابل ملت است .

آقایان ! اکر امروز مسائل اساسی مملکت هریک به دلیلی خاص و در نهایت برای دست و پاکردن کوشه عافیت از توده مردم بوشیده می‌ماند و اکر با ایجاد محیط‌ارعاب و با اشاعه سیاست فریب قصد برآن‌است که با عدم‌آکاهی نوده‌هامصادر قدرت را قبضه کرد نیازی به "جمهوری" و "اسلام" نیست بکذارید این مفاهیم همچنان پاک باقی بماند . بازی را در جای دیکری آغاز کنید ! ■

تأمین رفاه و آسایش طبقات زحمتکش دهقان و کارگر سرلوحه مرام مصدق...

بقیه از صفحه اول

او برافراشته بود کردانیدند .

دکتر مصدق و یارانش او خوب دریافته بودند که از زمانی‌که‌پای‌سوداکران‌و مبلغان مذهبی اروپائیان سپس نمایندکان سیاسی دولتهای آنان‌بمالک آسیا و بالخصوص ایران بازشده است چکونه دولتهای بزورو درصدد تحصیل امتیازها و تاسیس کنسولها (موسسات تجاری) و بستن قراردادها با شاهان خودکامه ایران بنفع تجارت و سیاست استعماری خود برآمده و زمینه را برای استیلای خود آماده می‌کنند و برقابت هم و بعنوان دول کاملة‌الوداد امتیازهای کوناکون تحصیل مینمایند و دکتر مصدق در برابر اعمال بقود همه این بیکانکان غدار و طمعکارو برای رهائی از دام استعمار آنها چه روشی بهتر کرفته و حکومت سیاست موازنه منفی را بکفته خود او سیاست توازن صفر را یکی از هدفها وایدئولوژی‌سیاست و مبارزات خود قرار داده و در احتراز آن میکوشند .

در آن سالها بعضی از شرکتهای مهم نفت آمریکا درصدد تحصیل امتیازانحوام نفت مناطق شمال و شمال‌غربی ایران برآمده و نمایندکانی دایر بر خلع احمدشاه و تغییر سلطنت ایران و انتقال آن به رضاخان سردار سپه و رئیس‌الوزرا" از بونه آزمایش درست درآمده بود بعد از شهریور سال ۱۳۲۰ از انزوای اجباری در احمدآباد بیرون آمد و بار باهمان حرارت‌واشتیاق دوران پیشین خدمتش در فارس و آذربایجان و هیئت دولت و مجلس پنجم و ششم بفعالیت پرداخته و درفش‌آزادیخواهی و رهائی از قید استعمار را برافراشت و با حمیت دوستان و یاران یکدل و استقلال کامل مردم تهران بنمایندکی آنان در مجلس چهاردهم انتخاب کردید . در آن زمانها بود که جمعی از آزادیخواهان وطن‌پرست ایران‌دوست مخصوصا جوانان دانشمندکه در دوران تحصیل وکارآموزی در مدارس عالیه ایران و دانشکاههای خارج کشور بمعنی استقلال و آزادی واقعی و بیدار و روشن حکومتهای ملی و مبتنی بر دموکراسی بی‌برده و فوایده و محاسن و عیب و هنر دموکراسی‌ها را جنانکه باید شناخته و از خودکامکی وآرزی اندازه رضاخانی سخت آزرده و متنفر کشته بودند بسته از کروبدند و در پای در صفی که جمع دوستان و همفکران خود را تشکیل داده بودند و در پی آن همسایه شمالی ما روسیه شوروی‌هم برای آنکه از حریف و رقیب خود عقب نماند به مطالبه چنین امتیازی برخاست و با فشار و اجرار زیاد خواهان تحمیل در واکذاری آن کردید چنانکه حربه نبودن قانون الحاقی وابستکی وابد تولوژی مخصوص خود ، طرفدار اعطای امتیاز نفت شمال ایران بعضی درواقع واکذاری ایالات شمالی به نیروی بود یک روز برای ارعاب مردم تهران در مقابل چشمان حیرت‌زده آنان با حمایت آشکار سربازان شوروی در خیابانهای تهران رژه رفت و سرودها راه انداخت دیکتر حاجت به بیان و توضیح حال و وضع دولت و مجلس زمین و مسئولین ایران در چنین این بعش‌ها نیست اما دکتر مصدق که از زمانهای پیشین همواره خواهان و سلع بستکل مجلس شورای ملی از طریق انتخابات آزاد و مصئون از دخالت شاه و دولتهای دست نشانده او برای جلوکیری از بسترف و موفقیت سیاست استعماری بیکانکان بود و در ضمن یک بحض چند دوره در دربار بعنوان جبهه‌ملی برای فردی و حصبی ، مبارزه با هرج و مرج و ابهام مسئولیت‌ها و تضمین استقلال قوه قضائیه و امنیت قضائی .

۳ـ اتخاذ سیاست مستقل مبتنی برپایه‌های موازنه منفی و ایجاد روابط دوستانه با کشورهای دیکر و مبارزه با امپریالیسم جهانی .

۴ـ تقویت مبانی ملیت و وطنخواهی و دلبستکی‌های قومی و مذهبی ، پرورش‌دادن روحیه ملی براساس هویت ایرانی واسلامی ، تشویق ایران دوستی و ایران‌شناسی و حفظ بناهای تاریخی و آثار ملی .

۵ـ تامین خوراکو بهداشت و مسکن برای همه ، حمایت از منافع کشاورزان و کارکران و طبقات مستمدیده و محروم ، توجه کامل به آبادی روستاها ، مبارزه با استثمار و بهره‌کشی فرد از فرد و مخالفت با سرمایه‌داری وابسته و بزرک .

۶ـ نیرویخشیدن به بنیه دفاعی کشور و تقویت ارتش ، بالابردن حمیت و شخصیت ایرانی و فرهنک ایران زمین در سراسر جهان .

۷ـ تقویت پیوندهای تاریخی و ملی بین اقوام مختلف ایرانی و پشتیبانی از آنان در مورد علائق بومی و فرهنک قومی .

۸ـ رعایت حریم احترام روحانیت متعهد و پشتیبانی از آنان در اقامات دینی و ارشاد معنوی .

۹ـ پاسداری از فرهنک‌ملی و حمایت‌ازان در برابرفرهنک وارداتی و تعمیم آموزش و پرورش در سراسر کشور .

۱۰ـ مبارزه با فساد و ناب درستی درشئون مختلف کشور ، حمایت از نقوای اداری و سیاسی . حفظ بیت‌المال از اسراف و اتحاد بدانبر صحیح برای بازکردانیدن اموالیان تحصیل‌کرده بکشور .

آدینه بورومند

اشخاص و کروههائی که حاضر بودند با یکستاره او بخانه‌های مردم و باشکاههای احزاب و کروهها بروند و در بشکنند و غارت‌کنند و اشخاصی را بی‌دلیل جلب نمایند و به قتل برسانند و بعد دادستان کل دادکستری زمان زمامداری او ناجوانمردان را برادران اسلامی و انقلابی و در اعلامیه و اخطارهای‌خود بکوید که‌خطاکاران بخیال آنکه وظیفه‌اسلامی وانقلابی خودرا انجام‌میدهند دست بچنین‌کارهای خلاف قانونی زده‌اند خلاصه در اثر این‌بیک‌سیمرغی و صداقت دکتر مصدق و احترام کذاشتن به قوانین‌ومقررات‌شرعی‌وموضوعی بود که مردم ایران و جهانیان بحرفهای او کوش میدادند و آنها را می‌پذیرفتند و در دادکاههای بین‌المللی لاهه و شورای امنیت هم به این سابقات دفاعی از حقوق ایران مورد اذعان و تصویب قرار کرفت و داوران عالیمقام هفتاد و دو ملت بنفع ملت ایران و رد دعاوی انکلستان با بقود زیادی که دولت مزبور داشت رای دادند و اونواست باکتمال اقتدار و بدون جار و جنجال عذر شرکت سابق‌نفت را ازایران بخواهد و از موضع قدرت با دولت انکلیس قطع رابطه سیاسی کند .

یکی ازمراسلهای دکترمصدق و مکتب او بلکه سرلوحه آنها تامین‌رفاه‌عیش‌وآسایش طبقات زارع و دهقان و کارکر بود و در این زمینه در جلسه اول هیئت دولت بعد از سی تیر سال ۱۳۳۱ قانون اصرایش سهم کشاورزان را که در چند روز حماسه‌ملی بدوش کرده بود مطرح کرد و بتصویب رساند و اعلام‌میدارد که در عقد این قرارداد تنها منافع مالی ایالات متحده آمریکا منظور کردیده است و با وجود اینکه رئیس‌کل بانک‌مرکزی بی‌آمدهای مالی نامناسب آن را اعلام میدارد و حتی "دعا" میکند که طلب آمریکا کمتر از مقدار ادعائی باشد و نیز بعنوان بزرکترین مقام مسئول مالی اعلام مینماید که پرداخت یکجای وامها از طرف بانک مرکزی نبوده و یک تصمیم سیاسی است که به بانک مربوط نیست هیچیک از متصدیان امور اجرائی و نیز هیچیک از نمایندکان قانونکزاری حتی خود را مسئول بی‌جوئی وبازکو کردن حقایق در برابر مردم نمی‌دانند مسلم است که محیط آکنده از ترس و خفقان و نیز سیاست سازش و عوام‌فریبی و بیم دوربودن از مراکز قدرت مانع تحرک و ایفای وظیفه سیاسی و اجتماعی درمقابل ملت است .

آقایان ! اکر امروز مسائل اساسی مملکت هریک به دلیلی خاص و در نهایت برای دست و پاکردن کوشه عافیت از توده مردم بوشیده می‌ماند و اکر با ایجاد محیط‌ارعاب و با اشاعه سیاست فریب قصد برآن‌است که با عدم‌آکاهی نوده‌هامصادر قدرت را قبضه کرد نیازی به "جمهوری" و "اسلام" نیست بکذارید این مفاهیم همچنان پاک باقی بماند . بازی را در جای دیکری آغاز کنید ! ■

دبیرستان دخترانه شماره ۲ خوارزمی نیز مانند بسیاری مدارس دیگر تعطیل شد...

مسئولین آموزش و پرورش باید بدانند که آنها خدمتگزار مردمند نه اینکه مردم و بچه‌هایشان بازیچه ادامه قدرت و جاه طلبی آنها

مسئولین آموزش و پرورش با بهترین کوشیم حزب جمهوری اسلامی با بوجودآوردن و به قدرت رساندن دستگاه تفتیش عقاید و آراء و سازمانی شبیه ساواک بنام امور تربیتی حدود نیم میلیون معلم و میلیونها دانش‌آموز را وسیله و بازیچه کسب قدرت خود نموده‌اند و میلیون‌ها تومان بودجه بیت‌المال را بدون حساب و کتاب بهرطریق که خواستند خرج کردند و عده‌ای را که جنبی کمترین سابقه علمی نداشتند برصدها هزار معلم مسلط ساختند چنانکه گوئی در بین صدها هزار معلم چند نفر مسلمان پیدا نمی‌شود که سرنوشت خود را بدست گیرد و باید چند جوان بی‌تجربه و متعصب دانسته یا ندانسته آموزش و پرورش مملکتی را برهم بریزند و هیچ نفرکشی راهم یارای اظهار وجود نباشد.

مسئولین آموزش و پرورش و صاحبان قدرت بیا بگویند که آیا وضع مدارس در سال اول بعد از انقلاب بهتر بود یا امروز، در آسایش دوستی و وحدت بین شاگردان بیشتر وجود داشت یا امروز، علاقه و دلبستگی بچه‌ها بفراگیری دروس در آسایل بیشتر بود یا امروز، شخصیت و مقام و ارزش معلمان در آنروزها بیشتر بود یا امروز، نظم و انضباط و حضور بچه‌ها در کلاسها در آنروزها بهتر بود یا امروز، تعداد محصلان زندانی در آنروز بیشتر بود یا امروز، اعتقاد و علاقه معلمان بخدمت در آنروزها بیشتر بود یا امروز، معلم‌ها را در آنروز بعلت داشتن عقیده مخالف میکشتند یا امروز که در کرمان کشتند و بسیار بسیار مسائل دیگر، در آنروزها اگر عیب و نقصی وجود داشت سال اول انقلاب و دولت بقولی سنت‌وناتوان و تابع برنامه گام بگام بود، اما امروز دوسال بعد از انقلاب با برنامه مکتبی و با قدرت مطلقه و انقلابی چرا؟

یکی از مسئولین آموزش و پرورش گفت در دبیرستان خوارزمی شماره ۲ عده‌ای طرفدار دولت و عده‌ای مخالف آن بودند و والدین آنها نیز این اختلافات را دامن میزدند و دبیرستان بعلت عدم‌شرکت اکثر بچه‌ها در امتحانات نظریا بحالت تعطیل درآمده بود و ما مجبور شدیم برای جلوگیری از تصادم و برخورد مدرسه را تعطیل‌کنیم وعده‌ای ازناکاردان را بمدارس دیگر بفرستیم.

ما از مسئولین سیبرسیم اگر در مدرسه‌ای عده‌ای خرابکار وجود دارند (آدم به یاد انتهامات زمان محمدرضاشاهی میفتد) تکلیف بقیه بچه‌ها چیست؟ما از مسئولین سیبرسیم پس تدبیر و لیاقت و فن مدیریت رئیس و ناظم ومامور امور تربیتی در اداره و ارشاد براهنمائی بچه‌ها چگونه بوده است؟ ما از مسئولین سیبرسیم اگر در هر موسسه و سازمانی امکان وجود خرابکاری و اخلالگر باشد و باید آنرا تعطیل کرد، حتما اگر شما تا چند سال دیگر برسرکار باشید لابد باید تمام مملکت تعطیل شود چون آقایان میخواهید حکومت مکتبی!! کنید؟

ما از مسئولین سیبرسیم آن بچه‌های نقاب‌دار که ابتدا دبیرستان را تسخیر و بعد تعطیل‌کردند و اسلحه داشتند چه کسانی بودند؟ اسلحه‌ها را از کجا آورده بودند؟ چرا نقاب‌زده بودند؟ و بکجا رفتند؟

آقایان شما بارها و بارها پیام الله هرچه را خواستید کردید، هرکه را خواستید آوردید و هرکه را خواستید ازهستی‌وزندگی ساقط کردید، یکبار هم که شده بخاطر خدا منصفانه و واقع‌بینانه فکرکنید و دست از سر این آموزش و پرورش‌درحال‌احتضار بردارید و بگذارید معلمان واقعی و با تجربه‌وبا ایمان و شناخته‌شده از طریق شوراها کار خود را خودبدست‌گیرند، گرچه‌خیلی دیر شده ومعلمان و مردم و بچه‌ها چشمان بلب رسیده است.

سازمان فرهنگیان جمهه ملی ایران
۵۹/۱۲/۴

دکتر مصدق به...

بقیه از صفحه اول

باین حمایت و اعتماد مردم وقوف کافی داشت و در برخوردها و مقابله‌های سیاسی از آن سود میجست. چنانچه در جلسه ۲۴ آذرماه ۱۳۳۲ مجلس شورایملی وقتی نمایندگان اکثریت مجلس دربرابر اظهارات او به‌همهمه و هیاهو پرداختند دکتر مصدق فریاد برآورد: ملت ایران باید حرفش را بزند من نماینده ملت ایرانم. مهمترین و بارزترین مظاهر قدرشناسی و تائید مردم نسبت به دکتر مصدق در قیام ملی سی‌تیر تجلی کرد. در روز سی‌ام تیر سال ۱۳۳۱ مردم بی‌سلاح و بی‌دفاع در تهران و در سراسر کشور به مصاف سرنیزه‌مسلسل و تانک شتافتند و برای برگرداندن دکترمصدق به کرسی زمامداری خون خود را بزمین ریختند و فریاد او مرگ با مصدق را به آسمانها رساندند.

بدین‌ترتیب دکتر مصدق از شخصیت‌ها و رهبران کم‌نظیری درتاریخ‌جهان محسوب میشود که در حیات خود در قلوب مردم‌جای گرفت و شاهد همبستگی و همگامی قشرهای عظیمی از توده‌های مردم با خود بود. در واقع او بعنوان نماینده افکار و هدفهای اجتماعی ملت و مطرح‌کننده مبارزهای زمان خویش درجامعه ایران مقبولیت عامه یافت و بعنوان یک رهبر شایسته ملی و مبارز ضداستعمار در محیط بین‌المللی و نزد ملل محروم ونحت ستم نیز شهرت و محبوبیت فراوان پیدا کرد.

علاوه بر این دکتر مصدق از شخصیت‌های سیاسی و رهبران اجتماعی نادری‌محسوب میشود که تمام عمر خود را وقف مبارزه برای مردم نمود. او در هیچ زمان مبارزه را از دست نداد و با دشمنان ملت به تفاهم ننشست. او زندگی خود و خانواده خود و تمام ثروت و علائق خود را در راه پیشرفت و آزادی مردم‌میهن خویش‌فداکرد و نمونه استقامت در عقیده‌وفکر و مظهر مقاومت در برابر دشمن و نمایانگر مذاوومت و استمرار در مبارزه در اوان جوانی تا آخرین لحظات حیات بوده است. ولی بیشتر از اینها و والاتر از این ارزش‌ها دکتر مصدق باید در ردیف آن قبیل شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی کمتی ارزیابی‌شود که تاثیر افکار و عقاید واعمال آنان در زندگی جامعه و مردم میهن و یا سایر همنوعانشان محدود به دوران رهبری و درخشش اجتماعی و یا زمان حیات آنان نبوده است بیش از پنجاه سال مبارزه مداوم دکترمصدق در راه تامین‌حقوق وآزادیهای‌سیاسی مردم‌ایران و استقرار حاکمیت ملی یعنی حکومت‌مردم و برقراری‌عدالت اجتماعی و تامین استقلال ملی یعنی طرد استعمار و نفوذ خارجی و ازبین‌بردن سلطه بیگانه مجموعه‌ای از طرز تفکر و عقاید سیاسی و اجتماعی و همچنین روشها و سنت‌های اجتماعی رافراهم آورده است که امروزمیتواند بعنوان مکتب آزادیخواهی و استقلال‌طلبی تاریخ معاصر ایران نام‌گذاری شود و عامل مهمی برای تشکل و جهت‌گیری و مبارزه قشرها و نیروهای آگاه و مترقی جامعه ما محسوب گردد.

امروز طرز تفکر آزادیخواهی و استقلال‌طلبی یعنی آمادگی برای حرکت بسوی جامعه آزاد و مستقل و پیشرفته.

امروز آزادی و آزادیخواهی یعنی قبول آزادی عقیده‌وبیان برای همه افراد جامعه از هر قشر و طبقه و برقراری حقوق اولیه انسانی برای‌همه کسانیکه در میهن ما زندگی میکنند.

امروز استقلال‌طلبی یعنی مبارزه علیه سلطه بیگانه‌یعنی مبارزه علیه نفوذ استعماری کشورهای صنعتی یعنی کوشش برای برپائی جامعه‌ای مقتدر و مجهز در شرایط امروز جهان پیشرفته.

امروز آزادی و آزادیخواهی تحقق نخواهد یافت واستقلال و استقلال‌طلبی صورت نخواهد پذیرفت مگر اینکه با عدالت اجتماعی توام باشد و عدالت اجتماعی یعنی ازمیان‌بردن زورو شدت در روابط اجتماعی و حرکت در جهت نابودی استثمار انسان از انسان در مجموعه روابط اقتصادی و اجتماعی جامعه و این همه فقط در یک جامعه پیشرفته و با جامعه‌ایکه‌برای پیشرفت‌وترقی حرکت خود را آغاز کرده باشدقابل‌تجسم و عمل است.

دکتر مصدق بیش از پنجاه سال‌مداوم‌برای‌آزادی‌واستقلال و پیشرفت هموطنان خود و جامعه ایران مبارزه و تلاش‌کرد و این مفاهیم را بین قشرهای بسیاری از مردم رسوخ داد و امروز تحلیل از دکتر مصدق بیش از آنکه تحلیل از شخص او تلقی شود باید تقدیر و تائید از مکتبی بشمار آید که آزادیخواهی و استقلال‌طلبی و نوع‌دوستی و مردم‌پروری و پیشرفت جامعه‌را یکجا درخود جمع داشت. گرچه دکترمصدق در دوران مبارزات اجتماعی و سیاسی با سیلی از تهمت و افترارروبروبود و عناصر مغرض و عامل بیگانه و عناصر سودجو انواع اتهامات‌و ناسزاها را به سوی او روان میکردند و در زمانهای‌مختلف و حتی دریک زمان واحد مطالب خلاف‌واقع متضادی باو نسبت میدادند.

گرچه بعضی از گروهها و افراد هم‌اکنون نیز برخلاف واقعیات و با جعل حقایق تاریخی‌و زیرپاگذاشتن انصاف وشرافت باو بیرایه‌هایی‌ببندند و با غرض و کینه نام او را به زبان میرانند و از وبعث محبوبیت نام‌او تاثیدا‌صالت راه او در هراس و بیمناکند.

و گرچه در بیش از نیم‌قرن مبارزات این رهبر ملی افراد وعناصری‌نسبت به این‌مبارزات و افکار و عقاید بی‌تفاوت‌بوده وخودرابرکنار نگاه‌میداشتند، ولی‌امروز دکترمصدق‌همانند شخصیتهای‌همانندخوددرهمه کشورهاودرسراسرتاریخ‌تعلق‌به همه‌ملت ایران دارد و نمیتواند و نباید به هیچ گروه و یادسته خاصی‌منحصروبامحدود شود.

هرگروه و یا سازمان سیاسی و یا فردی که به دکتر مصدق علاقه دارد و یا باافکاروعقاید اومعتقد است و با روش‌سیاسی و اجتماعی او را برای حیات سیاسی و اجتماعی ملت ایران مفید تشخیص میدهد بمیزان علاقه و اعتقاد و باید در راه اوقدم‌بردارد و با سایر کسانی که در این اعتقاد و یا در این راه هستند همکاری و همقدمی نماید.

ما معتقدیم که نام دکتر مصدق و شخصیت او نباید به وسیله‌ای در دست افراد و یا عناصر و یا گروههای سیاسی تبدیل شود در جهت اغراض شخصی‌و یا گروهی به نفع و یا به ضرر کسی و یا برای تقویت و یا تضعیف هیچ سازمان یا دسته‌ای مورد استفاده قرار گیرد.

ما معتقدیم کسانیکه به‌دکتر مصدق عقیده دارند و یا به هر دلیل و عنوانی برای او و یا سوابق سیاسی‌ومبارزات او احترام قائل‌اند و همچنین کسانی که ممکن است به جهتی از جهات افکار و عقاید و نظرات او را نپسندند و یا معتقد نباشند و یا عقاید و افکاری مخالف و مغایر آن داشته باشند میتوانند بهرترتیب که مایل باشند و یا مصلحت بدانند از نظر فکری و عقیدتی به طرح مسائل و مطالب بپردازند و نظر خود را اظهار نمایند ولی تبدیل نام شخصیت نام‌آور و بزرگی چون دکتر مصدق به یک‌اسلحه سیاسی برای مبارزات روز به هیچوجه نمیتواند قابل توجیه باشد‌ومرتکبان سوءی‌نخواهند برد.

بررسی علمی رویدادها و حوادث‌نشان میدهدکه انقلاب بزرگ ملت ایران در بهمن ۱۳۵۷ نتیجه منطقی و مرحله نکاملی سیر مبارزات آزادی‌خواهانه و استقلال‌طلبانه ملت ایران در تاریخ معاصر میباشد و مبارزات و مقاومت دکتر مصدق در برابر عوامل استبداد داخلی و دنباله استعمار و مزدوران خارجی و بخصوص مراقبت‌های او در مداومت مبارزات نهضت ملی ایران بدور از هرگونه انحراف فکری و عقیدتی یک عامل اساسی در ایجاد تفکروبینش‌های جامعه انقلابی ما بوده است و بدون شک همین عامل در سوق‌دادن جنبش ملت ایران به اقدامات انقلابی تاثیر فراوان داشته است. در چهارمین سالروز وفات او خاطره قهرمانیهایش را گرامی میداریم و بروان پاک او درود می‌فرستیم. ■

ملت نگران عاقبت پنهان

بقیه از صفحه اول

هیئت‌نیز در مصاحبه مطبوعاتی خود در تهران میگوید: "ما با پیشنهادات و برنامه‌های بسیاری به ایران آمده‌ایم".

و عضو دیگر هیئت در پاسخ اینکه: آیا فکر میکنید در این سفر و ملاقاتتان با مقامات جمهوری اسلامی ایران به نتیجه مثبتی برسید، میگوید: "انشاالله اینطور خواهد بود". در عرف بین‌المللی کمتر سابقه دارد که هیئتی به این وسعت و با حضور چند شخصیت سرشناس جهان به ماموریتی اینچنین خطیر اقدام کند فقط باین نیت که سخنهای به آشکار گفته شده مقامات کشور میزبان را بکنار دیگرازدهان‌خودآنها بشنود. بطور معمول چنین هیئتهائی همیشه در پی توافق‌های قبلی اقدام به سفر میکنند تا از راه مذاکره شکل اجرائی را بیابند و موجبات تهیه توافق‌نامه رسمی را فراهم سازند.

رادیوهای خارجی اخرارسال نامه آقای رجائی برای امیرفهد ولیعهد عربستان یاد کرده‌اند. از یاد نمیبرم که قبل از آزادی گروگانها، جناب ایتان نیز به نیویورک سفر کرد ومذاکراتی داشتند. جان کلام اینست که این‌پنهان‌کاریها چیست؟ چراملت را در جریان امر قرار نمیدهید. این درست است که شما به اصل حاکمیت ملی و اینکه ملت ایران خود سرنوشت خویش را تعیین کند معتقد نیستید، اما از یاد نبرید که ملت ما زیربار نظر و اعتقاد شما نخواهد رفت.

مشکل بزرگ جنگ ایران و عراق مشکلی نیست که با بازی‌دادن مردم، از سوی شما برقدرت‌نشستگان و این دولت نیم‌بند و ناتوان قابل حل باشد. مشکل یک مسئله ملی است. دولت نجاوزگر عراق زیر پوشش کامل حمایت امپریالیستها بر میهن ما تاخته و بخش مهمی از آنرا به اشغال خویش درآورده است. این تجاوزگر شریر براساس هیچ منطق و استدلالی در حالیکه ما در موضع ضعف‌هستیم و او در موضع قوت، برپایه مذاکرات سیاسی به تخلیه سرزمین‌های اشغالی اقدام نخواهد کرد. بنابراین یک راه باقی میماند و آن بیرون‌راندن دشمن است با تکیه بر

بقیه در صفحه ۴

سخنی با اعضای شورای عالی دفاع

باتوجه به برنامه‌های رادیوتلویزیون و اخبار روزنامه‌ها وسخنان آنانکه از جبهه باز میگردند، سربازان، پاسداران، افسران، عشایر و همه و همه با ایمان و اعتقاد و با ابتکار جان در مقابل دشمن حمله‌ور می‌جنگند. کمتر روزیست که سخن از دلاوریها و قهرمانیهای هوانیروز، تفنگداران دریائی، نیروی زمینی، پاسداران و عشایر دلیر به میان نیاید. مردم در پشت جبهه‌ها، در درون شهرها از دور و نزدیک با ارسال انواع وسایل از تنقلات و آجیل و شکلات گرفته تا غذای گرم و لحاف و تشک و نامه و پیام خود حماسه‌ای دیگر می‌آفرینند. کمتر روزیست که سیل اتومبیل و وانت و کامیون به پشت جبهه‌ها سرازیر نباشد، داوطلبان اعزام به‌جبهه‌برای هرچه‌زودتر جنگیدن سرودست می‌شکنند. خلاصه کشوری باتمام وجود می‌جوشد و می‌خروشد تا دشمن متجاوز را از سرزمین ایران وطن عزیز با بقولی میهن‌اسلامی بیرون راند.

در مقابل دشمن، افرادش‌مزور به جبهه اعزام‌شده‌اند، ایمان و اعتقاد ندارند، سپاه کفر می‌باشند، بزدل و ترسو هستند، در عراق هر روز شورش نارضای بوقوع می‌پیوندد ولی جنگ همچنان ادامه دارد و دشمن هنوز در خاک وطن ماست، روزها و ماهها و هر روز دهها نفر از عزیزترین فرزندان این آب و خاک شهید می‌شوند و هر روز میلیون‌ها تومان از ثروت مملکت بباد می‌رود و اگر این‌چنین روزها بگذرد معلوم نیست سرانجام مملکت ما چه خواهد شد؟ برای ملت ستم‌کشیده ایران کم‌کم این سئوال پیش می‌آید که چرا با تمام این برتری‌های ما در مقابل آنهمه ضعف آنها به پیروزی نمی‌رسیم، چرا؟

عام

چماق و قلم !!

بقیه از صفحه اول

معلم واستاد، روزنامه‌نویس‌وروشنفکر، شاعروتویسنده، سخن ساز و سخن‌پرداز همه و همه قلم بدست گرفتند تا معماران جامعه فردای بهتر باشند. آنها قلم بدست‌گرفتند تا از گنج‌های ناصواب و کفته‌های بیحساب پرده بردارند و حقایق را بگویند‌وآنها قلم بدست گرفتند تا راه را بنمایانند و افتادن در چاه را مانع شوند.

بدین‌ترتیب میدان، میدان قلم شد که نمایندگان اصیل انسان و شان و تفکر انسانی بشمار میآمدند. کارزار و جنگ و جدال قلم‌ها درگرفت و فرق جنگ قلم با جنگهای دیگر این بود که جنگهای دیگر آمیخته‌ای بودند از قهر و خشونت و بیرحمی و قساوت. حاصلشان آدمکشی و ویرانی و نابودی اما جنگ قلم حاصلی پربار داشت و رمآوردی زندگی‌ساز.

قلم سر بر اوج رفعت کشید و نوای فتح و نصرت قلم حسودان چماق‌بدست را آزرده ساخت، اینان تخم کین را در مزرعه ضمیر افتاندند و از اینرو مغزهای علیل بکار افتادند و رفتند و نشستند و برخاستند و دست‌آخر کار را تقسیم کردند گروهی همچنان چماق بدست باقی‌ماندند و گروه دیگر قلمهای بدلی را سپر بلای یاران چماقدار و نظام جورستمگری نمودند و بدین‌بیان سخن سرایان دربار و مداحان بیمقدار پایه عرصه نبرد گذاشتند و این ساده‌لبان چوب‌وچماق چه چیزها که نگفتند و نگفتند و نگفتند.

قلم سر از این نیرنگها نهراسید و گامی پس ننهاد و در هر نبردی میان "حق و باطل" قلمها طلایه‌داران سرفراز فتح و پیروزی بودند و حامیان چماق نکبتگامان شکست و ناکامی در عصری از اعصار، و دربرهه‌ای خاص از زمان که بنحوشگفت‌آوری مظاهرتمدن‌وجاهلیت باهم پیوند یافته‌اند نشانه‌ای از انسان متفکر امروز را با دست‌افزار انسان غارنشین دیروز درکنار هم نهاده‌اند. آشنی‌کنان قلم و چماق! چون بمصیبت‌ومبارکی‌گویا هردوهم قدروهم‌مقدار گشته‌اند؟!

دردناک است، زجرآور است کشنده است، قلمی که‌درمقابل چماق بایستد که نمیتواند چماق باشد، چطور میتواند از اوج عزت به حضیض ذلت ساقط شود و چماقش بپندارند؟ قلمی‌که‌درمقابل‌چماق بایستد چماق نیست خشم نوفنده‌ای است که علیه حامیان چوب و چماق و چماق‌بدستان خودت کامه. چه روزگاری شده است که برای چماق سند برداشت می‌جویند اما قلم را در معرض نوهین و در بردهای از ابهام و بحران ارزش فرار میدهند و قلم گنج و گنگ که از شر نوطئه نازه چطور خلاص شود و باکدام پای چاره از‌ظلمیم حادثه بیرون آید. چه ناروائی، چه بیرحمی بزرگی و شاید هم نه... نه ناروائی و نه بیرحمی اما درهرحال رواست که گفته‌شود که این‌هرچه‌باشد دست‌کم نشانی‌دارد‌فردنه‌ای و قدرشناسی وجه‌باید‌کردکه قدر زر زرگر شناسد قدر گوهر گوهری...

هرمزان فرهنگ

پنجشنبه ۱۴ اسفندماه ۱۳۵۹
دوره جدید ـ شماره ۵۶
صفحه ۲

پیام
جبهه ملی
نشریه سیاسی

صاحب امتیاز: دکتر مهدی آذر
مدیر مسئول: اصغر پارسا
سیاسی: جهانبانو کارگر بردیک سمان انقلاب که مطلا در اکثر قاطع مسائل سیاسی است.
ارتباط: تهران صندوق پستی شماره ۱۶۹ ـ ۵۵

آنچه مصدق...

بقیه از صفحه اول

و احزاب و عشرهائی حمایت میکردند که در خدمت این غارت باشند، مردان سیاسی و صاحبان نفوذ در دربار و دولت را با پول میخریدند و به خدمت منافع خود درمی‌آوردند. وظیفه‌این دولتمردان این بود دگه با ادامه استبداد و جهل و خرافه مردم ایران را از فرهنگ پویا و تحولات اجتماعی و اقتصادی و آشنائی به علوم و فنون و توسعه‌معارف و بینش اجتماعی بازدارند. تا از این رهگذر دست تطاول و غارت آنها برمنابع و ثروتهای طبیعی ایران بیوسته در ازباشد.

در صحنه سیاسی ایران از عشر حاکم و احزاب سیاسی و دولتمردان آنها که مزدوری شریک از آبرفدرتها را پذیرا میشدند و کمر به خدمت آنها می‌بستند از حق حیات، وقدرت و نفوذ سیاسی و اجتماعی و استفاده‌ازخوان یغمای گسترده برخوردار بودند. درچنین سرنوشت غم‌انگیزی از اسارت استعماری‌که بیوسته با ارتجاع قرون وسطائی بعنوان قدرت مسلط و حاکم چیره بودمردان نادری بودند که سر از این چنین اسارت برمی‌نافتند. در برابر ارتجاع حاکم و حامیان مستعمرچی آن می‌ایستادند.

آنها طالب ایرانی آزاد و مستقل بودند که مردمش‌حاکم برسرنوشت‌خود باشند. آنها با جهل و خرافه مخالف‌بودند زیرا با دانش و بینش خود میدانستند که بیگانه جز به کمک جهل و خرافه قادر به غارت مردم ایران و منابع و ثروتهای آن نیست. آنها با نفوای اخلاقی و بینش اجتماعی و سیاسی خود میدانستند که استعمار و استبداد دو روی‌یک سکه است. مبارزه با استعمار و استبداد از یکدیگر غیرقابل تجزیه‌است. دکتر محمدمصدق در تاریخ معاصر ایران ازجمله دولتمردان نادری است که زندگی و هستی و آزادی‌خود را در راه این مبارزه وقف‌کرد او انسانی باتقوی و بافضیلت بود. از دروغ و ریا و ستم نفرت داشت. اهل مقام و جاه نبود. برسر اصول و مبانی حق و حقوق انسانی چه فردی و چه اجتماعی هرگز معامله و سازش نمی‌کرد. ایران را با تمامی وجود خود دوست داشت رنج محرومین و زحمتکشان جامعه خود را درک میکرد، خواهان سیاسی بود که بتوان درپرتو آن ایران را از قلمرو مطامع بیگانگان حفظ‌کرد، قانون رشد و توسعه واقعی جامعه را می‌شناخت که جامعه بدون دانش و علم و بدون رهائی از جهل و خرافه هرگز به استقلال و خودکفائی سیاسی‌و اقتصادی و اجتماعی نخواهد رسید.

او در زندگی اجتماعی‌خود ثابت کردکه اصول و معتقدات اصیل خود را هرگز قربانی مصلحت‌جوئی و عافیت‌گرائی نمی‌کند. او امکانات زیادی داشت که عمری را در نعم و آسایش و دور از هرگونه‌مرارت و ملال سپری کند اما هرگز چنین نکرد. چرا زندگی او سراسر در زندان و تبعید و خانه‌نشینی گذشت و چرا این چنین مورد تهمت و ناسزا و بی‌حرمتی قرار گرفت و هنوز قامت رسای شخصیت والای او به تیرهای زهرآلود حسادت و کینه دوخته میشود؟ زیرا او نمونه و معیار دولتمردی بود که هرگز به راه جابلوسی‌وتملق نرفت هرگز قدرت را جزبرای خدمت به‌مردم نخواست، هرگز تن‌بمصالحه‌وسازش با بیگانگان نداد، هرگز دست غارت به بیت‌المال‌مردم‌دراز‌نکرد هرگز از فکر استقلال وطن خود و آزادی مردم آن و بهروزی محرومان جامعه‌آن‌غافل نبود.

این‌چنین بود که ارتجاع حاکم او را در بند کرد و به تبعید انداخت، اما آنچه مصدق در تاریخ ایران بنیاد نهاد یک مکتب است، مکتب صداقت و ایثار، مکتب وطن دوستی بمعنای واقعی آن، یعنی سرزمینی مستقل و مردمی آزاد و بیترفه و بی‌نیازوآگاه. مکتبی که باید همچون چراغی فروزان فراراه دولت‌ـ مردان ایران و همه مردم این سرزمین قرار گیرد. که در کانون آن چهره پاک مردی می‌درخشندکه‌از درون‌اشرافیت جاهل‌وخودخواه و فاسد ایران برجسته‌ترین صحایف تاریخ معاصروطن‌ما را رقم زده است روانش شاد و نامش گرامی و جاودان باد.

علی‌اصغرحاج‌سیدجوادی

ملت نگران عاقبت پنهان

بقیه از صفحه ۳

نیروی نظامی. یعنی آنکه باید ارتش مجهز و برتوان را در برابر خودببیند و تاب مقاومت در برابرش نیاورد و پس نشیند و میهن ما را آزاد کند. انجام چنین امری نیاز به یک برنامه‌ریزی حساب شده و اصولی و سریع دارد. کاری که بدون شک از توان دولتمرد نمایان امروز خارج است. باید که هرچه سریعتر "دولت نجات ملی" برای تجهیز همه امکانات و شکل‌دادن به نیروهای دفاعی و برتوان ساختن ارتش ملی ایران، تشکیل گردد. باشد که به یاری نیروی کارساز دولت نجات ملی و ارتش سازمان یافته و نیرومند ایران بتوند رهائی‌بخش میهن را آغاز و سرزمین خویش را از لوث وجود ارتش متجاوز عراق پاک سازیم و به حفظ تمامیت ارضی کشوروآزادی و استقلال کامل آن توفیق بیابیم.

بنابراین سعی نکنید با کشتن وقت و ادامه جنگ فرسایشی بیش از این بر کشور و ملتمان لطمه وارد سازید و همچنین با پنهان‌کاری بر آن نیافزید تا ملت ما را یکباره با تصمیمی خفت‌بار چون، پایان دردناک ماجرای کروکانگیری مواجه سازید.

شک نکنید، ملت ایران دیگر به هیچ قیمت، زیربار معامله‌ای آنچنان، آنهم در قبال از دست‌دادن استقلال و تمامیت ارضی میهنش نخواهد رفت.

هیچ ملتی در سایه استبداد به‌جائی نرسید
دکتر محمد مصدق

نگاهی کوتاه بر تلاش دکتر مصدق
در تاریخ جنبش ملت ایران

بزرگترین ارزش دکتر مصدق درستی و صداقت او بود

مرجعه

دکتر مصدق به‌ملت

دروغ نگفت

بمناسبت سالروز وفات دکتر مصدق
۱۲ اسفند ۱۳۵۹

جبهه ملی ایران

بزودی
از فروشندگان جبهه ملی بخواهید

نکته‌ها

همه کاره!

کیهان چهارشنبه ششم اسفندماه صفحه۲ خبرهای روز

"ملاقات سفیر دانمارک در تهران با دکتر بهشتی ـ سفیر دانمارک در تهران صبح دیروز با آیت‌الله دکتر سید محمد بهشتی رئیس دیوانعالی کشور در محل کاخ وزارت دادگستری ملاقات و مذاکره کرد در این ملاقات راههای گسترش مناسبات اقتصادی میان دو کشور ایران ودانمارک از جمله مسائلی بود که مورد بررسی قرار گرفت".

بدوستم گفتم برادر این تضعیف قانون اساسی و تداخل قوای سه‌گانه در کار یکدیگر نیست؟

گفت نه برادر اولا رئیس دیوانعالی کشور (رئیس قوه قضائیه) که نباید به قانون اساسی‌و قانون احترام بگذارد ثانیا چون وزیر امورخارجه نداریم اینجای وزیر امور خارجه و بجای وزارت امور خارجه در وزارت دادگستری کار وزیر امورخارجه و وزیر اقتصاد و دارائی و نخست‌وزیر را یکجا انجام می‌دهند اینکه بدنیست تقویت دولت است؟! کار نو بد است که فضولی‌می‌کنی و با جماق فلم دولت را تضعیف می‌کنی.

وزیر دانه‌ای؟!

آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در طی سخنرانی خود در مسجد شهید هرندی فرموده‌اند: "یک دانه وزیر فاجر و فاسد از این دروازه مجلس نمیتواند عبور کند" بنقل از نیمز روزنامه جمهوری اسلامی شنبه نهم اسفند صفحه آخر.

ما تاکنال واحد انسان را "نفر" میدانستیم از حالا باید وزارای کابینه "مکنیی" را دانه دانه شمارش کنیم و مثلا بگوئیم کابینه "مکنیی" سه دانه وزیر کم دارد!

وصف دانشگاه

آموزگاری در کلاس ابتدائی از دانش‌آموزانیکه تازه شروع به انشا" نویسی کرده بودند خواست بعنوان موضوع انشاء "دانشگاه را شرح دهند اکثر نوآموزان با چنین جملاتی دانشگاه را وصف کردند.

"دانشگاه‌جائی‌است‌که‌در‌آن جمعه‌ها نماز میخوانند"

"دانشگاه محلی است که جمازه‌ها را از آنجا حرکت می‌دهند".

"دانشگاه جائی است که همه رژیم‌ها آن را تعطیل می‌کنند".

کوچاك شدن در اسلام

در بزرگ اسلام در فضای کنونی مملکت ماخیلی‌خیلی کوچک شده است و در مدخل حزب جمهوری اسلامی شکل پیدا کرده است.

پس از ورود از این در کوچک خیلی از درهای دیگر بروبت باز میشود. در مکتب که مکتبی نبوی در وکالت بیت و مقام و منصب.

اسلامی را که دروازه‌هایش از جنوب فرانسه تا قاره آفریقا و شرق دور همیشه بروی کلیه انسانها و مکاتب باز بوده است اینگونه کوچک نبود و در مدخل حزب جمهوری اسلامی قرار گیرد، اسلام‌کوچک خودساخته‌ایست که حتی توانائی اداره یک خانه راهم ندارد اگر غیر اینست که حتما غیر از اینست خواهشمند است در ورودی کوچک شده اسلام را از مدخل حزب بردارید تا آغوش باز اسلام همه را بذیرا شود. آمین

دمساز

سئوال ـ مگر از لابلای صفحات نشریه پیام جبهه‌ملی چه ساری نواخته میشود که دست‌اندرکاران را چنان برپنان ومشوش‌کرده‌که‌درجاب‌ونوریخ‌اش اینگونه اشکن میاندازند؟

جواب ـ همه نوع ساز. خر دمساری با دولتمردان جمهوری اسلامی.

پشت و رو

در اندیشه انقلاب خیابان گز سیکردم که باگلهان چشمم به شعاری روی دیوار افتاد که نوشته بود "هرگس روبروی انقلاب بایستد باید هلاک شود"

باین فکر فرو رفتم پس مجازات آنان که با انحصار طلبی‌های خود پشت به انقلاب کرده‌اند چه‌میتواند باشد؟

نافته جدا بافته

باآنکه بقول خودشان دولت بردمی است ولی هنوز بنهادهای انقلابی بعنوان نافته جدابافته حکومتی دیگر دارند و دولت نیز میخواهد همچنان این نهادها جدابافته بمانند و روزبروز از مردم بیشتر دور شوند.

تامین رفاه و آسایش

بقیه از صفحه ۳

بعد از تحصیل اختیارات از مجلس آنرا اجرا کرد و باین ترتیب هم کمک‌مونو‌بقاعده‌ای بطبقات مزبور بعمل آورده.

دکتر محمد مصدق نه‌تنها یک رجل سیاسی ایران نبود بلکه با روش و تدابیر درسی که‌در مبارزه‌با استعمار و امپریالیسم و طرد استعمارگران با موافقت و پشتیبانی فاطمه ملت ایران بکارببرد و باین ترتیب سرمشقی عملی تندی و قاطع بسنام ملل و اقوام استعمار شده داد یک رجل و یک چهره جهانی شناخته شد چنانکه بعد اربطی نشدن ملت ایران مخصوصا بطبقی نشدن برعه سوئز و الجزایریان بقیام برای استرداد استقلال خود اقدام کردند و آفریقای سیاه بفکر آزاد شدنش از قید بردگی که به او تحمیل شده بود افتاد جبهه‌ملی ایران مفتخر است که با قبول رهبری دکتر مصدق و پایداری در حفظ و بیشبرد مکتبی که از صمیم قلب بآن گرویده است کوشش می‌کند و در این راه از تحکومیت‌ها وزندانهای ظالمانه دیکتاتور و قانون‌شکنانه و همه‌قسم تحریمیت بهراسیده و وظیفه ملی و وطنی و انسانی خود را انجام داده و بیدهد بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد سال ۳۲ دستگاه حاکم خیلی سعی کرد که میان جبهه‌ملی و جوانان و دانشجویان باکفل و صافی ضمیر بیرو آنانرا با بیشکش‌کردن مقامات عالیه از قبیل سفارت و استانداری و سناتوری و نمایندگی مجلس و ریاست و مدیرکلی ادارات دولتی رام کند ولی سعی او جز در چند مورد استثنائی بجائی نرسید باجار دفعه دیگری زندانیها از افراد جبهه ملی و طرفدارانآسان ایستاده کردند و رحمها و شکنجه‌ها از نوبحریان‌افتاد اما جبهه‌ملی در موضع خود استقامت ورزید و بایداری کرد و افشاگر و شکنجه‌ها بظاهر حاموش او در براضادن رژیم سلطنت پهلوی و موفقیت انقلاب ایران بطور عمده تاثیر داشت.

خوانندگان ارجمند گرامی آنچه در این مقاله از نظر شما گذشت خلاصه‌ایست در مقایسه و مقابله قسمتی از کارهای مرحوم دکترمصدق و دولت او با کارهای دولتهای بعد از ۲۸ مرداد و بعد از انقلاب بزرگ ایران و اشاره به اینکه چرا و چگونه "جبهه ملی ایران" که با رهبری آن سیاستمدار وطن‌پرست و صدیق ایران تشکیل یافته و از صمیم قلب بمکتب او گرویده است و هیچ آرزوئی وخواستی جزآزادی و استقلال همه‌جانبه‌ایران‌ورفاه و آسایش و سرفرازی ملت کهنسال و شریف ایران ندارد و در مکتب خود وسازو باهمه بدخواهان ایران بایدار است و هیچ‌حسابی هم با هیچکس ندارد.

ربنا آتنا فی‌الدنیا حسنة و فی‌الاخرة حسنة.

دکتر مهدی آذر